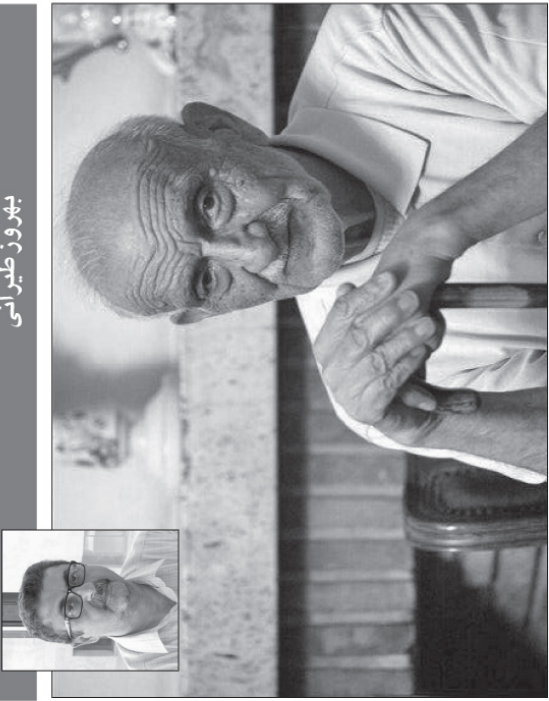


## در آستانهٔ چهلمین روز درگذشت مبارز نستوه، حسین‌شاه حسینی

# مردی از تبار آزادی

### بهر روز طبریانی



عضو جبهه ملی هستم و منی توانم بگویم که عضو نیستم. در این میان مرحوم بهشتی می مرحوم آقای رضایی اصرار می کردند که به بمانم و به کار خود ادامه دهم»

۴- **تجارب:**

یگی از ویژگی های بارز شاه حسینی، شجاعت او در عرصه مبارزات اجتماعی-سیاسی بوداو در هنگام برگزاری تجمع ها و تظاهرات،همواره در صف اول قرار داشت. در جریان تظاهرات ۱۳۲۰ تا۱۳۲۲ که در بازار تهران برگزار شد، او که یکی از تربیب دمدندان آن مراسم بوددر چهارسوق بزرگ تهران پای چپهای پای که مرحوم حاج سید مهدی قوام علیه زردم سخن می گفت، حضور داشت و بعد از حمله نیروهای رژیم به مقابله با آنان برخاست.

در زمان برگزاری میتینگ در میدان چالویه در اردیبهشت ۱۳۲۰ و در سده بعد از آن در جریان برگزاری رسالکدر شهبان قیام سی نیز در جلایه، شاه حسینی در صف اول تظاهرکنندگان قرار داشت. کسانی که در طول این سال ها او را کردهاها و او مراسم کارگون حضور داشته اند، به خوبی که به مقابله با نیروهای خودمرد به به منظور برهم زدن مراسم گسیل می شدند، می شنات از جمله این مراسم، یکی هم برگزاری مراسمی در باغ آقای حسین گلزار در جاده کرج بود که شاه حسینی در مقابل در باغ از جمله نخستین کسانی بود که در مقابل ارادان اجیر شده از سوی سالواک ایستاد و به شدت نیز مضروب و معزوح شد.

۵-**فروتنی و بی ادعایی:**

شاه حسینی به رغم هفتاد سال تلاش در عرصه های مختلف،همواره خود را یک سرباز راه آزادی و استقلال ایران می دانست. او هیچگاه سابقه فعالیت های خود را پولشی برای طرح خود به جامعه نداشت. هیچگاه ادعای رهبری و برتری خود به دیگران نداشت. در میان جمع او تفاوت نظرات خود را بیان می کردد و این دیگران می خواستند تا درباره بحثانش نظر دهند. او کسی را در امری بالاتر از خود می دانست، حتی اگر از لحاظ سن و سابقه یا با تفاوت داشت. نظراتش را می پذیرفت و به آنها عمل می کردهمیشه درباره سوابق و فعالیت های خود،ایا و انجام وظیفه تلقی می کرد و از خدا طلب آمرزش و مغفرت می کرد.

۶- **روحیه کار جمعی:**

یکی دیگر از خصوصیات مهم مرحوم شاه حسینی، روحیه بالای او در همکاری با دیگران بوداو که در ابتدای شروع فعالیت های سیاسی-اجتماعی خود با روحانیانی همچون آیت الله کلاهی و شیخ حسین لکنی نزدیک بود زود جلسات آنها شرکت می کردد. در جریان انتخابات دوره شانزدهم و سازمان نظام را به انتخابات همکاری داشت. جامعه اصناف بازرگانان بازار تهران تشکیل بود که شاه حسینی در دوران ملی شدن نفت با آن همکاری داشت.

ورزش، نمونه دیگری از روحیه کار جمعی در نزد او بود. این در حالی بود که مرحوم جبارزادگان اختلاف فکری داشتند. ولی تا زمانی که رژیم را را از حضور در مایند ورزش محروم نکردو بههدفهای او جبارزادگان در زمینه ورزش و با پایا ن تان دوستی متا ادامه داشت. او بعد از فوت آقای ۲۸ مرداد به همکاری با مرحوم آیت‌الله زنجانی در نهضت مقاومت پرداخت. نهضت مقاومت ملی در آن زمان ضد همکاری نیروهای ملی در رغم اختلاف‌های عقیدتی و سیاسی و شمار به وقت. در نهضت مقاومت ملی، نیروهای مذهبی همچون آیت الله زنجانی، آیت الله طالقانی،مهندس بازرگان،ساجدی و دیگر اعضای جبهه ملی، همگی در کنار نیروهای جبهه ملی، در نهضت مقاومت ملی شرکت می کردند. در این زمان، روحیه کار جمعی در میان مردم و مراسم شب های قدر و ایجاد و نهضت نیروهای سالی طولانی در کنار هم، هیچگاه ترک نشد.

شاهپور بخیار و... علیه رژیم شاه به مبارزه پرداختند. او به روحیه مقاومت در شورای جبهه ملی در فاصله سال های ۱۳۲۲ تا ۱۳۵۷ از اعضای نهضت آزادی همکاری داشتند. محمد حنیف نژاد، مصدق و محسن و رضایی ها از دوستان نزدیک او به شمار می رفتند و او همواره در حد توان خود به برآوردن نیاز آنها کمک‌رشدش داشت. مصطفی شامخیان در یک فعال سیاسی غیر مذهبی بود نیز با شاهحسینی ارتباط داشت و خواسته هایي همچون دیدار با دکتر مصداق را از شاه حسینی داشت.

شاه حسینی که با گرداندگان حسینی ارشاد ارتباط تنگاتنگ داشت، در همان حال با معاندان دکتر رضیعی و از جمله شیخ حسین لکنری نیز رابطه داشت و یکبار نیز با برگزاری جلسه ای در حضور آنها تلاش کرد تا شیخ حسین لکنری را با اشتیعی نزدیک سازد.

در جریان انتخاباته ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ شاه حسینی در قبال همین ویژگی و کارایی که سوی معاندان استقبال از شد، در هنگام آمدن او به تهران، در کنار روحانیون برجسته ای همچون آیت الله مطهری،دکتر بهشتی ونیز در کنار اعضای هیات های مؤتلفه اسلامی به انجام وظیفه پرداخت.

شاه حسینی بعد از پیروزی انقلاب هم به همین روحیه به همکاری با سایر نیروها،مبادرت ورزیدهمیشه با مهندس بازرگان به تأسیس جمعیت دفاع از آزادی و حاکمیت ملی در دهه ۱۳۶۰، همکاری و مشارکت در تأسیس جمعیت دانشگران آزادی انتخابات در دهه ۱۳۷۰ وعضویت قبول پیشنهاد مهندس عزت الله سجادی منی در عضویت شورای فعالان ملی- مذهبی، نمونه دیگری از این روحیه کار جمعی در نزد حسین شاه حسینی بود.

۷- **فداکاری و ایثار:**

کسانی که در طول حیات شاه حسینی با وی آشنایی و همکاری داشته اند، این ویژگی وی را خودی به شناسند. و زمان نیاز به جمع آوری کمک های مالی در امور سیاسی وا کمک به نیازمندان، در زمان نیاز برای ارائه سند برای آزادی زندانیان سیاسی به هنگام نیاز به تهیه مکان برای برگزاری مراسم مذهبی و یا سیاسی و اجتماعی،همه نگاه به او وده اول به سوی حسین شاه حسینی معطوف می شد.

برگزاری مراسم جناز علی قزاق با دیگر مراسم ها که به سوی او بود، از نیز در این موارد با سخاوت و اوزه خود گذشتگی آن آنجا که در توان داشتند،هرای انجام درخواسه ها کوتهای نمی کرد. در استناد زمین کشاورزی شاه حسینی به پیش از انقلاب موجودات آزادی بسیاری از جمله برخی انقلاب نیز همین نقش را ایفا کردو همکاری از دنیا رفت که هنوز برخی از استنادش آزاد نشده بود.

۸- **تقدیر:**

پایته بود، با پایا ن خود دست در اعتقاد مذهبی اش بر نداشتند. خانواده ایشان نیز خانواده ای مذهبی و مقید به رعایت آداب و احکام شرعی بودند. در گفته دکتریان،پدر بصری مسلمان وچه برای من در مورد معتصب بودند. هر چقدر شخصی به ایشان نزدیک تر بود، حساسیت ایشان در باره جواب بالاتر بود، روحیه مذهبی و تدبیر ایشان تا به اندازه ای بود که در سوی برگزاری همچون آیت الله حاج سید رضا زنجانی و آیت الله حسینعلی منتظری، اجازه جمع آوری وچروحات داشت.

در گفته خودش هر روز بعد از نماز صبح،تقدیر به خزان‌دان زیارت علانرو داشت و همواره این جمله را تکرار می کرد که هر عملی در زمینه سیاسی و اجتماعی انجام می دهم، برخاسته از وظایف و تکلیف است و آسان نا باشد. در پیش خدا مورد قبول قرار گیرد. شرکت در مراسم عزاداری محرم و مراسم شب های قدر و ایجاد و نهضت نیروهای سالی طولانی در کنار هم، هیچگاه ترک نشد.

تدبیر و اعتقادات مذهبی شاه حسینی فقط به آداب و ظاهر عینی محدود نمی شد. او با رویکرد اقتصادی در نظرگران، در مسئله ارائه بیت المال، حفظ آزادی دیگران، تدبیر از تهمت و غیبت و سایر تقییدات شرعی نیز کمال مراقبت را داشت.

توضیح در باره دیگر صفات حسین شاه حسینی،همچون آزادی خواهی، ابرار دوستی و عشق به دکتر مصداق، شاید تکرار مکررات باشد. آنها برای که تاریخ معاصر ایران اندی اسلامی دارند در باره این صفات از آزادی و سرباز شنیده اند. درباره مردی که در کار ابرار و برای آزادی و سرباز شنیده اند، ابرار باها و بارها طعم احضار، بازداشت، زندان، کتک و شکنجه را چشید.

۱- **پای کار بودن:**

شاه حسینی در طول حیات سیاسی-اجتماعی خود، از

ان الدین قاتلو رینا الله ثم استقاموا...

در سومین روز از آوستان،احسان،حسین شاه حسینی،مردی از تبار آزادی،ورزی ازسپل ایلامی،ردی ازخودگذشته به خاطر مهن، آن که هفتاد سال برای آزادی تلاش کردناید، به زندگ و زندگی او سر آن گذاشت، رابستولیت گردناید بر زمین گذاشت وپه ساری باقی شتاتند تا در روز رسیدگی به حساب در پیشگاه معبود خویش با آنچه بر او و همیش و مردمان سزومیش رفت، با خدای خویش سخن گوید.

شاه حسینی امروز دیگر در میان ما نیست، اما یاد او و حصال برجسته اش همواره در نزد کسانی که از دور و نزدیک با او و تلاش های او آشنایی داشتند، باقی خواهد ماند. آنهاهی که همواره در عرصه مبارزه او را در صف اول دیده بودند. او با رسال های مبارزه در باغ و مرغی آنهاهی که سدها حسینی برای آزادی شان از زندان، بند و دیه بودند. او با فروتنی،دروذا و آنها پذیرایی کرده بود. زمینش را وثیقه قرار داده بود. آنهاهی که برای حل مشکلات مالی خانواده‌های زندانیان،سهاده تلاش می رفتی او برای جمع آوری کمک های بودند. آنهاهی که حتی برای حل مشکلات شخصی و خانوادگی نیز به سراغ او می رفتندتا او را یاد و خاطره خود زنده نگاه خواهند داشت.

شاه حسینی او با کار تلاشهای همه جانبه اش در راه مبارزه و در گردشش های ورزشی و اجتماعی اش باز خصصیتی خاص نیز برخوردار بود. او هیچگاه از خود نمی گفت. برای بیان خاطراتش، بیش از ده سال در ایشان گفت و شنود داشتیم. تختت با مرحوم هدای صابر که شاه حسینی بسیار دوستش می داشت و برایش احترام قائل بود، در سال ۱۳۷۶ موضوع او را ایشان مطرح کردیم و او هر بار با استدلال خاص خودش را پذیرش خواسته ما خوداری می کرد ما با وساطت مرحوم مهندس عزت الله سجادی توانستیم موفقش را جلب کنیم. همواره می گفت ما که کاری نکردیم،گرم قدمی برداشتم، ادای دین و انجام وظیفه بوده است.

فعالیت های هفت هفت حضور خود در سالل های سخت مبارزه برای ما نگیند، از میان رفت. او برای ما از آنچه در روزهای به در قصیر و قول قلعه و زندان ششپهانی و کمیته مشرف بر او رفته بود، از شلاق و شکنجه، چندان گفت. از انگشتی های که بر صورتش نواخته شدند. او شت ها از انگشتی که بر بدنش فرود می آمد از دندانم هائی که شید و در پریازرد. او تهمت هائی که بر او می بارید و امکان دفاع نداشتن از روزهای تنهایی در سلول انفرادی باز وچواهی که با خدای بلند مرتبه اش در کج زندان داشت. در زیارت عاشورایی که در خلوت خویش خوانده بود، با کسی حرفی نزد.

پخشش عده خاطرات هفتصد صفحه ای مرحوم حسینی، باز گردین تلاش ملت و از گردشگران و مبارزان را به یادوری و دکر مصداق،شیدد و دکر نمی گفت. در کنار آزادی و دکر مصداق،شیدد و دکر فاطمی، آیت الله زنجانی،مدینی و صالح و سنجلی و فریدی و بابرگان و ساجدی و و طالقانی و... یاد و خاطره آنهاهی را در خاطره شاه زنده می کرد که همچون رهبران در نزد مردم شناخته شده بودند. به قول خودش یقه گردن یک از آنهاهی که بار اصلی مبارزه را همیشه بر دوش دارند. او هم سالی های جوانی که غم را خم های آنها، دروهای خودش را از یاد او می دود.

او هیچکس شکایت و گله ای نداشت. آن روزهم که در بازار انگران تهران از او فوری که در دوران زندان در کمیته مشرف بود، او را به شدت شکنجه کرده بود، دو به دو سهلبازر هم هیچ نگفت. از او گله و کینه ای در دل نداشت و در مقابل درخاست او فود و همسرش که از او می خواستند او را بختشد تا بتواند مادر او و همسرش که از او آراهی سر بر بالین نگذارد، گفت:پخش از آن خداست. در این نوشتار می گویم تا برخی خصال برجسته او را که در طول دوران آشنایی با ایشان دیدم و شناختم، بازگو کنم.

شاه حسینی در طول حیات سیاسی-اجتماعی خود، از